

تأثیر اختلاف ها و چالش های سیاسی کشور های ساحلی بر محیط زیست دریای خزر (۲۰۱۷-۱۹۹۱).

اردشیر پور نعمت نودهی^۱

رضا سیمبر^{*۲}

الهه کولایی^۳

سید محمد کاظم سجاد پور^۴

چکیده

دریای خزر، بزرگترین دریاچه جهان با منابعی غنی از گیاهان، آبزیان و دیگر منابع زنده دریایی در کنار منابع غنی نفت و گاز، محیط زیست آن در شرایط هشدار قرار دارد. این دریا دارای زیست بوم ویژه ای است که در برابر عوامل مختلف ناشی از فعالیت های انسانی به شدت آسیب پذیر بوده، مهم ترین ویژگی آن، پیکره بسته آبی و عدم ارتباط طبیعی با سایر اقیانوس ها است. حوزه خزر به دلیل مؤلفه هایی مناقشه بر انگیز، مثل، نقصان در رژیم حقوقی جامع، دشواری های سیاسی میان کشورهای ساحلی، عدم درک متقابل برای بهره بردن از منابع این دریا، غرب گرای مفرط برخی کشورها، استقبال و تلاش برای حضور فرا بازیگران، صف بندی های جدید متأثر از تبلیغات منفی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر ترویج بنیاد گرای اسلامی و خطر نظامی شدن دریای خزر، علی رغم توافق های چند جانبه میان کشور ها، به منطقه ای چالش برانگیز، حساس، ژئواستراتژیک و مهمی تبدیل شده که حاصلش غفلت از محیط زیست آن است. در این نوشتار با این پرسش روبرو هستیم که "نقش و تاثیر چالش های سیاسی میان کشور های ساحلی دریای خزر بر محیط زیست آن چگونه است؟ یافته های این متن که بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده، تبیین خواهد کرد که، به دلیل در هم تنیدگی مفرط اقتصاد و سیاست، محیط زیست قربانی چالش ها و رقابت های سیاسی شده است.

واژگان کلیدی: ژئواستراتژی، ژئوپلیتیک، محیط زیست، رژیم حقوقی، چالش های سیاسی

۱. دانشجوی دکترای روابط بین الملل گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران. ایران.

۲. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

* rezasimbar@hotmail.com

۳. استاد گروه مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران

۴. استاد و عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۴

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و سه، صص ۲۴-۷

حوزه دریای خزر به عنوان یک منطقه راهبردی در معادلات جهان نقش بسیار موثری دارد. در این منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بازیگران بین‌المللی، متأثر از تغییرات جدید، به دنبال پر کردن خلاء قدرت و برتری ژئوپلیتیک در منطقه بودند. در حقیقت پس از فروپاشی مذکور دریای خزر به دلایل سیاسی و ارتباط‌های بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای یافت. پیش از این، دریای خزر در محدوده سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دو کشور جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی بود، اما پس از استقلال و شکل‌گیری جمهوری‌های دیگر مثل جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان شرایط جدیدی را تجربه می‌کند. در شرایط جدید، تنوع تصمیم‌گیری‌ها با توجه به سیاست‌ها و دیپلماسی گوناگون کشور‌های تازه تاسیس، شرایط را پیچیده و تاحدودی غیر قابل پیش‌بینی کرده است (Blan, 1995:34). محیط زیست این دریا به دلایل مختلف مورد تهدید قرار گرفته است. این نوشتار تلاش دارد تأثیر چالش‌های سیاسی میان کشور‌های ساحلی خزر بر بحرانی شدن شرایط زیست‌محیطی آن را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، در این نوشتار دو خط موازی را طی خواهد شد. نخست شرایط زیست‌محیطی و سپس شرایط سیاسی موجود میان پنج کشور ساحلی مورد بحث قرار گرفته، در ادامه تأثیر متقابل متغیر سیاسی بر محیط زیست آن، موضوع مهمی خواهد بود که می‌باید مورد توجه باشد.

تأثیر چالش‌های سیاسی کشور‌های ساحلی خزر بر روی محیط زیست آن به وضوح در برخی موارد قابل مشاهده و بررسی است، که برخی از آنها عبارتند از ضعف در تدوین رژیم حقوقی مناسب و فراگیر، افزایش وزن واگرایی، عدم تمایل به منطقه‌گرایی، بی‌توجهی به سیستم اکولوژی منحصراً به فرد آن و عدم برخورد جدی با کشور‌هایی که به دلایل مختلف و عمدتاً اقتصادی و منافع مادی، موجب تشدید آلودگی این دریا شده‌اند. برخی از آلاینده‌ها، مثل آلاینده‌های ناشی از استخراج نفت، به مرز هشدارهای جدی رسیده است. محیط زیست این دریا قربانی منافع اقتصادی برخی از کشور‌هایی است که با توجه به امضای کنوانسیون‌ها و تعهدها، دیپلماسی مبتنی بر منفعت‌گرایی را دنبال می‌کنند که موضوع قابل توجه‌ای است. این کشورها با تمسک به بازی‌های جدید

سیاسی وبا توجیه منافع ملی، منافع مشترک زیست محیطی دریا را قربانی این منافع نموده اند. شواهد بسیاری از این چندگانگی سیاسی دولت های کشور های ساحلی خزر و تاثیر آن در افزایش تهدید بر روی اکوسیستم و محیط زیست این دریا را می توان یافت. دریای مذکور با توجه به شرایط طبیعی، جغرافیایی و ظرفیت های بازسازی محیط زیست خود، با توجه به توانمندی های بالقوه اش، تا حدودی می تواند در برابر تهدیدهای زیست محیطی و آلودگی ها به بازسازی خود بپردازد، اما در شرایط هجوم بی امان آلاینده ها، خصوصا آلاینده های هیدرو کربنی، که بزرگتر و عظیم تر از قدرت تدافعی این دریاست، توان باز سازی و تدافع نداشته و این آغاز فرو پاشی اکوسیستم آن است. تلاش ها و اراده برای حفظ محیط زیست این دریا وجود دارد اما کافی نیست. چون منافع اقتصادی - سیاسی کشور ها ساحلی آن در ارتباط با دیگر حوزه های ژئوپلیتیک مرتبط با آن، مانع بزرگ در تحقق بهینه سازی برنامه های حفظ محیط زیست آن است (Bahgat, 2005: 53).

۹



تأثیر اختلاف ها و
چالش های سیاسی
کشور های ساحلی
بر محیط زیست
دریای خزر (۲۰۱۷-
۱۹۹۱).

ادبیات پژوهش

چالش های زیست محیطی

تفاوت میان دو مقوله محیط زیست و زیست بوم گرایی از مباحثی است که "دابسون" معتقد بود که تداخل و تلفیق این دو با هم خطایی آشکار و سنگین است. چون زیست بوم گرایی یک ایدئولوژی پر چالش بوده و سر آن دارد که مدیریت محیط زیست را بر عهده بگیرد. مدیریت محیط زیست بر این باور است که توان سود مندی جهان و طبیعت وجود دارد بدون آنکه تغییری در آن بوجود آید. زیست بوم گرایی حیات پایدار را منوط به، دگرگونی بنیادی ارتباط ما با جهان طبیعی غیر انسانی و شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی می داند. اگرچه زیست بوم گرایی و محیط زیست گرایی از یک خانواده محسوب می شوند، اما اولی نگاهی بنیادی تر به محیط زیست دارد. این دو دیدگاه اگرچه همسو هستند اما تفاوت های آشکاری میان آنها است (دابسون ۱۳۷۷: ۱۲).

مراقبت از محیط زیست از اصول مهم زیست بوم گرایی است و تنها دو دلیل برای اثبات آن کافی خواهد بود. نخست اینکه انسان ها برای مصلحت خود باید از محیط زیست

محافظت کنند و دوم، حتی اگر نیازهای انسان را رفع نکند، ارزش ذاتی و بنیادین داشته، موجب امنیت جامعه، لذت بخش، مهم و ارزشمند جلوه خواهد کرد (Bookchin & Foreman, 1991: 37).

ژئوپلیتیک زیست محیطی:

ژئوپلیتیک زیست محیطی در واقع گونه‌ای از گفتمان ژئوپولیتیکی است که به شکل کاملاً انتقادی به مطالعات بوم‌شناسی و جغرافیای تهدیدهای زیستی در قالب سیاستهای امنیتی جهان صنعتی در تخریب محیط زیست و بطورکامل تأثیرات نظام جهانی بر محیط زیست در قالب گفتمان‌های سیاسی می‌پردازد (Agnew, 2004: 51) مباحث ژئوپلیتیک زیست محیطی از آغاز با اکولوژی بنا می‌شود و سپس به عنوان مبنایی برای ژئوپلیتیک زیست محیطی نقش می‌آفریند. هگل اما جانور شناس آلمانی در سال ۱۸۶۶ میلادی واژه اکولوژی را بنیان نهاد. این واژه در واقع از سوی هگل برای اشاره به تحقیقاتی درباره‌ی تمامی حیوانات و روابط آن‌ها با محیط طبیعی و غیرطبیعی بکار گرفته شد. مدتی بعد کاربست آن توسط جنبش سبز در دهه ۱۹۶۰ به شکل روزافزون وارد مباحث سیاسی شد. زیستن سالم مورد تهدید قرار گرفته بود و این شامل همه‌ی موجودات از جمله انسان می‌شد، کسی نمی‌تواند به آن بی‌توجه باشد. انسانها باید به گونه و شیوه‌ای زندگی کنند که ارزشهای اکولوژیک محیط آنان تقویت شود. بنابراین انقلاب سبز یک انقلاب درونی است (هی‌وود، ۱۳۸۲: ۴۵). ذخایر موجود در زمین و شکل استفاده مشترک از آن برای دو کشور همسایه جنبه‌های ژئوپولتیک آن را برجسته می‌کند. همگرایی و یا واگرایی موضوع حاصله از این اتفاق ژئوپلیتیک است. پیمان‌های مشترک میان همسایگان راهگشای موضوع خواهد بود. با توجه به تعاریف بنیادین ژئوپلیتیک عموماً بازیگران قدرتمند دیگری وارد عرصه خواهند شد تا سود کافی عایدشان شود، چون عموماً از دریچه شرکت‌های چند ملیتی وارد صحنه می‌شوند. همگرایی و واگرایی دو گونه رفتار متضاد از سوی دولت‌ها و بازیگران است. شکل‌گیری بازیگران در این عرصه نیز به منافع آنان وابسته خواهد بود. در واقع دور شدن و یا نزدیک شدن به منافع آنان وابسته است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳).

دریای خزر حلقه پیوند آسیا و اروپاست به همین دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خاصی را به خود گرفته است برخی دریای خزر را هارتلند جدید نامیده‌اند. تأثیر آن بر کشورهای پیرامون و بر دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای و شرکت‌های چندملیتی به لحاظ انرژی موجود در آن موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منحصر به فردی را به آن بخشیده است (تقوی اصل، ۱۳۸۶: ۶۹).

تهدید های زیست محیطی دریای خزر:

فرایند تخریب این دریا زمانی آغاز شد که کشورهای ساحلی برای خود در جهت پیش‌گیری از برنامه های ارائه شده دیگر کشور ها، حق وتو قائل شدند. ناخشنودی برخی کشور ها مثل جمهوری اسلامی ایران و روسیه از حضور راهبردی بازیگران فرامنطقه ای مثل آمریکا و اسرائیل در کشور هایی مثل جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از موانع مهم همکاری میان دولت ها ی یاد شده در جهت حفظ محیط زیست این دریا محسوب می شود. راه های دیپلماتیک برای مذاکره بر سر محیط زیست دریای خزر به دلیل حضور شرکت های چند ملیتی در کشور هایی مثل جمهوری آذربایجان برای استخراج نفت همواره با چالش روبرو بوده است. تکیه بر عوامل "همگرایی" میان کشور های ساحلی دریای خزر و دور شدن از موضوع های تشدید کننده "واگرایی"، راه اصلاح مدیریت دریای خزر در چارچوب "کنوانسیون ها" و قوانین مطروحه در رابطه با کنترل آلاینده ها را، خواهد گشود (Sakwa, 2002; 64).

دریای خزر در حال حاضر یکی از آلوده ترین دریا های جهان است منابع آلودگی دریای خزر عمدتاً ریشه در استفاده نامطلوب از آن دارد. می توان منابع دریای خزر را به لحاظ اصل و ریشه آن به دو بخش منابع تجدید پذیر و منابع تجدیدناپذیر تقسیم کرد. منابع متعددی واقع در خشکی و دریا از جمله عوامل اصلی آلودگی بوده و همه ی پنج کشور ساحلی به نحوی در آلودگی آن سهیم هستند. به لحاظ ژئوپولیتیکی خلاء یک رژیم حقوقی پایدار، محدود بودن دریا به خشکی و عدم دسترسی به آبهای آزاد، نگرشی فایده مند و ساده انگارانه به دریای خزر و وابستگی برخی از کشورهای ساحلی به تکنولوژی غربی از عوامل مؤثر در آلودگی این دریا است. (زراقی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

منابع تهدید کننده محیط زیست دریای خزر:

منابع بیشماری این دریا را تهدید می‌کند که می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

۱. منابع آبهای آلوده رودخانه‌ای
۲. آبهای آلوده صنعتی و شهری رو بستر
۳. نفوذ نفت زیر بستر و روبستر
۴. رشد سطح آب که حاصل نفوذ مناطق ساحلی که در معرض نفوذ چاه‌های نفتی قرار دارند.
۵. انتقال آب دریای خزر برای مصارف کشاورزی و غیره.
۶. هجوم شانه دارها.
۷. انتقال بی رویه و غیر کار شناسی شده آب به دیگر نقاط.

شدت توسعه در بهره‌برداری از نفت و گاز خزر حاصلی جز گسترش آلودگی هوا و آب و سواحل ندارد که در پی آن زندگی گیاهان به خطر افتاده، منابع طبیعی فرسوده شده، اختلال در اکوسیستم رخ داده و زیان‌های بیشماری در تنوع زیستی بوجود می‌آید. خطر زیست محیطی در واقع استفاده بیش از حد از منابع طبیعی و تجاوز به آن است. تغییرات منفی در محیط زیست منجر به افزایش مرگ و میر انسانی می‌شود. نرخ زندگی در سواحل خزر ۱۵ الی ۲۰ سال پایین‌تر از کشورهای پیشرفته است. و این به دلیل آلودگی بیش از حد این مناطق است. عدم رعایت اصول شهرسازی موجب شده است فضولات انسانی از طریق فاضلاب‌ها به دریا هدایت شود. عمدتاً برای ساخت شهرها از آغاز می‌باید افق آینده‌ی جمعیت و سپس محدوده شهر را مشخص کنند و آنگاه با توجه به شرایط موجود سیستم‌های فاضلاب تعبیه گردند اما عدم مهارت در شهرسازی در سواحل دریای خزر بر مشکل‌های زیست محیطی افزوده است. عموماً در سواحل دریای خزر تعریف جامعی از محدوده شهرها وجود ندارد و نظارتی برای ساخت و سازها انجام نمی‌گیرد. افزایش لجام گسیخته جمعیت و مهاجرت بیش از حد به مناطق شمالی خصوصاً کناره‌های خزر تبدیل به تهدیدی بالقوه و جدی برای موضوع محیط زیست آن شده است.

آلودگی های نفتی:

در مورد آلودگی های نفتی باید اذعان داشت که نبود دیپلماسی قوی و دقیق روی منابع استخراج نفت ، موجب آلودگی بیش از حد این دریا شده چون دریای خزر در برابر محیط زیست بسیار شکننده است. با توجه به جدول زیر تبیین این موضوع آسان خواهد بود.

منابع هیدروکربنی دریای خزر براساس تن:

کشور	مساحتی از دریا براساس کیلومتر و درصد	کمیت محدوده نفت و گاز	پیش بینی منابع آلودگی	محدوده امتداد منابع	به آورد تولید نفت خام	مقدار انباشت تجاری
آذربایجان	۷۸(۲۰/۷)	۱۳۷	۳۶۰۰	۱۶۰۰	۶۵۰	۲۷-۲۴
قزاقستان	۱۱۳(۲۹/۹)	۸۲	۳۴۰۰	۱۲۰۰	۵۰۰	۱
ترکمنستان	۷۹(۱۹/۲)	۶۵	۶۰۰	۲۵۰	۱۰۰	۵۷
روسیه	۶۴(۱۵/۶)	۲۰	۴۰۰	۱۵۰	۵۰	۱
ایران	۴۴(۱۴/۶)	۴۳				
مجموع	۳۷۸(۱۰۰)	۳۴۷	۸۰۰۰	۳۲۰۰	۱۳۱۰- ۱۳۰۰	۳۶-۳۰

Source: http://www.caspinfo.net/content/content.asp?menu=0120000_000000

دریای خزر به لحاظ شرایط زیست محیطی به شدت تحت فشار است. بیراهه نیست اگر به برخی از مناطق آن سرزمین مرده اطلاق شود. بطور کلی این دریاچه به عنوان زیست گاه بسیاری از ماهیان، اعتبار زیستی خود را از دست داده است. بسیاری از گونه های «خاویار ماهیان» که به واسطه ارزشهای تاریخی خاویار خود مشهور بوده اند، به دلیل استحصال بیش از حد آن، به عنوان نسلی در حال انقراض محسوب می شوند. استحصال چنین گونه های خاویاری در سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۳۰ هزار تن بود که در سال ۱۹۹۰ به ۱۳۳۰ تن و در ۲۰۱۰ به ۲۱۰۰ تن کاهش یافتند و در حال حاضر صید آن به کمتر از ۲۰۰۰ تن رسیده است بسیاری از این ماهیان خاویاری در آبهای جنوبی و شمالی تلف شده اند که در برخی نواحی تعداد تلف شد نشان به ۳۰۰۰ عدد می رسد و این به دلیل مشکلات زیست محیطی بسیاری است که قابل تأمل است (کولایی و

گودرزی ۱۳۹۲:۸۹). آلودگی‌هایی که در بستر دریا صورت می‌گیرد در اشکال مختلف رخ می‌دهد. بارگیری نفتی در ترمینال‌های نفتی، آلودگی‌های ناشی از ضایعات و پسماندهای ایجاد شده در سکوها نفتی، رفت و آمد شناورها برای ارائه خدمات به سکوها و جزایر، ترمینال‌های نفتی، عملیات استخراج نفت و گاز از چاه‌های مناطق دریایی، نشست لوله‌های انتقال نفت و گاز، عملیات لوله‌گذاری و نصب آن، سوانح دریایی که حاصلش نشست نفت به دریا می‌شود، تمام انواع خدمات ساحلی، آلودگی ناشی از ضایعات و پسماندهای ایجاد شده در سکوها نفتی و کشتی‌های در حال رفت و آمد از نمونه‌های بارز آن است. آلودگی نفتی در زمان بارگیری به دلیل نشست نفت از تأسیسات، منجر به خسارات بیشماری بر بستر و موجب انفجار بستر شده و زیست‌گاه‌هایی مثل صخره‌های مرجانی را با تهدید جدی مواجه کرده که تماماً از نوع آلودگی‌های یاد شده در بالا است (بیران و قادری، ۱۳۸۸: ۴۲).

اشکال و انواع آلودگی‌های هیدروکربوری دریای خزر

نفت خام یک ماده خالص نیست. در آن انواع هیدروکربورها با تفاوت‌های فیزیکی و شیمیایی مختلف وجود دارد. آلودگی دریا به خاطر نفت به اشکال مختلف رخ می‌دهد که برای آبریان خطر آفرین است. (Nasrolahzade, 2010: 99). غلظت آلودگی در قسمت‌های جنوبی و غربی دریا در مجاورت و پایین دست سواحل جمهوری آذربایجان و غلظت‌های کمتر در نواحی شمال و شرقی آن گزارش شده است. Brekhovskir, 2008 (45, و Nemirovskaya). حداکثر غلظت هیدروکربن‌های نفتی در سواحل انزلی در مجاورت تالاب آن، ۱۳/۹ میلی‌گرم بر لیتر و غلظت آن در تالاب پسیخان به میزان ۰/۰۱ میلی‌گرم بر لیتر گزارش شده است. میزان کل هیدروکربن‌های نفتی و فلزات سنگین در سواحل جنوبی دریای خزر در منطقه گیلان بسیار بالا است (Khodaparast, 2009: 38). برابر بررسی در سال ۲۰۱۱ غلظت کل هیدروکربن‌های نفتی در رسوبات سطحی بندرانزلی بین ۷/۶ تا ۲۹ میلی‌گرم در کیلومتر مشاهده شد که بیانگر آلودگی متوسط آن به هیدروکربن است (Hajizadehzaker et al, 2011: 110). این بررسی در مقایسه با بررسی سال ۲۰۱۰ در سواحل مازندران نشانگر آن است که سواحل مازندران از آلودگی بیشتری برخوردار است. آلاینده‌های نفتی در مراحل حفاری و انتقال به دریا منتقل می‌-

شوند. نمونه برداری های ۱۵ گانه سواحل گیلان و مازندران در طول ۵ فصل غلظت کل هیدروکربون های نفتی به وسیله دستگاه FT-SR مدل vector تعیین شده است (میرزایی و همکاران ۱۳۹۳:۲۲۸). اندازه گیری غلظت هیدروکربن های نفتی بوسیله سیستم طیف-سنجی مادون قرمز انجام گرفت که براساس سطح محصور طول موج مورد نظر و همچنین با استفاده از منحنی کالیبراسیون محاسبه شد. کالیبراسیون اسپکتروفتومتر فرآیندی است که در آن مراحل برای تضمین صحت کار دستگاه به کار گرفته می-شود. اسپکتروفتومتر قادر است به عنوان فرستنده و گیرنده نور عمل کند (همان، ۱۳۹۳، ۲۳۰)

۱۵

آلودگی فلزات سرب و کادمیوم

ماهیان کفال دریای خزر مشتمل بر ۱۵ جنس و حدود ۱۰۰ گونه می باشند. ماهی کفال طلایی از جمله ۱۳۳ گونه ماهی ساکن در این دریا معرفی شده است. با توجه به ارزش غذایی بالا در گونه های مختلف ماهی خزر این ماهی از صید بالا و ارزش غذایی خوبی برخوردار است (آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۰). سواحل جنوبی دریای خزر به دلیل فعالیت انسانی بالا از تجمع عناصر سنگین برخوردار بوده که امکان جذب آن در بدن آبزبان وجود دارد و چون این ماهیان در چرخه غذایی انسان وارد می شوند احتمال آسیب رسیدن به انسان بسیار بالاست. ورود عمده فلزات آلوده، احتراق سوخت های فسیلی، معدن کاوی، ضایعات شهری و صنعتی، فاضلاب ها، کودها و آفت کشها در شمار این آلودگی ها به شمار می روند (باقری توانی نوری، ۱۳۹۵: ۱۱۰). دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان در سالهای اخیر به دلیل نشت نفت ناشی از استخراج آن و سود بردن از تکنولوژی فرسوده در استخراج، تخلیه آب توازن کشتی ها، عدم کنترل پساب های صنعتی، کشاورزی و شهری، در معرض آلودگی شدید قرار دارد. جذب سطوح بالای فلزات در محیط آبی بطور مستقیم از راه آبشش یا از طریق مواد غذایی وارد بدن ماهی می شود از طرف دیگر انباشت فلز تحت تأثیر عوامل محیطی- زیستی منجر به تفاوت در انباشت در مناطق گوناگون و فصول می گردد. (Kotze et al , 1999: 10).



تأثیر اختلاف ها و
چالش های سیاسی
کشور های ساحلی
بر محیط زیست
دریای خزر (۲۰۱۷-
۱۹۹۱).

آلودگی از طریق کشتی‌ها:

کشتی‌های دیزلی معمولاً مقداری نفت همراه با فاضلاب خود به دریا می‌ریزند و دود آنها نیز به هوا فرستاده می‌شود. جابجایی آب مخازن کشتی‌های غیرنفتکش که آلوده به نفت است، در هنگام ریختن دو باره آب به دریا از دیگر عوامل آلودگی بشمار می‌رود. کشتی‌های نفتکش برای شستشوی مخازن خود مشخصاً آب دریا را آلوده می‌کند. زیردریایی‌ها که از نوع کشتی‌های هسته‌ای اند نیز، موجب آلودگی هستند. محموله‌های این کشتی‌ها معمولاً آلودگی ایجاد می‌کنند (زرگر و نوروزی کلرمی ۱۳۹۴، ۲۵۷).

آلودگی ناشی از نوسان آب

در دهه ۱۹۳۰، زمانی که طرح‌های صنعتی و کشاورزی اتحاد جماهیر شوروی به اجرا درآمد، نوسان آب بسیار شدید بود. آب دریای خزر معمولاً نوسان دارد. این نوسان شامل دوره‌های مختلف است که بالا و پایین دارد. چنین فرآیندی در طول زمان رخ می‌دهد و خود موجب تغییرات در محیط زیست این دریا و تغییرات در مبانی اقتصادی کشورها می‌گردد. در دهه یاد شده، نوسان آب دریای خزر موجب بروز دریاچه‌های مصنوعی، سدها، آب‌بندها و افزایش فعالیت‌های انسانی در آن محدوده شد. در چنین حالتی سطح آب دریا به پایین‌ترین میزان (۱۹ متر پایین‌تر از سطح دریاهاى آزاد) رسید که تا سال ۱۹۷۷ ادامه داشت. اما پس از آن تا سال ۲۰۰۰ روند آب افزایش داشته و سالانه ۱۵ سانتی‌متر به سطح آن افزوده شد (مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ۱۳۹۷، ۳).

این نوسان‌ها موجب عکس‌العمل‌های انسانی برای بهره‌وری بیشتر از دریا شده و از آنسو در زمان افزایش سطح آب موجب آلودگی این دریا به دلیل تجاوزات دریا به حریم آن می‌گردد. سطح آب دریای خزر دارای نوسان زیادی بوده است. بطوری که در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح سطح آب دریای خزر ۳۵ متر پایین‌تر از سطح دریاهاى آزاد جهان بود. افزایش آب در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ با توجه به افزایش به ۲۸/۴۴ متر پایین‌تر از سطح آبهای دریای آزاد جهان رسید اما از سال ۱۹۷۸ افزایش تدریجی آن آغاز شد. در سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۵ با ۲ متر افزایش نسبت به گذشته به ۲۶/۱۹ متر پایین‌تر از مقدار قبلی رسید. علاوه بر نزولات آسمان و آبهای زیرزمینی بیش از ۱۳۰ رودخانه اصلی و فرعی آب دریاچه خزر را تأمین می‌کنند. حدود ۷۶/۳ درصد آب آن از رودخانه ولگا در

فدراسیون روسیه، ۴/۸ درصد از رودخانه کورا در جمهوری آذربایجان، ۳/۲ درصد از رودخانه اورال در قزاقستان و بقیه ۱۵/۱ درصد از سایر رودخانه‌ها از جمله سفیدرود، تجن، گرگان، اترک و غیره تأمین می‌شود (پورکاظمی ۱۳۷۸، ۲۰).

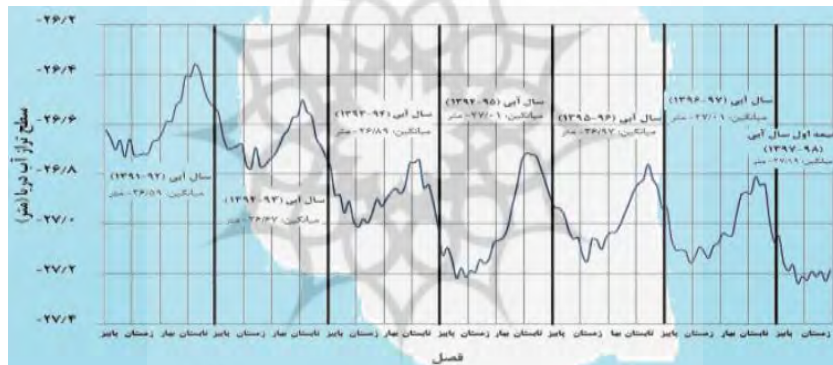
نتایج تحلیل داده‌های ایستگاه‌های تراز سنجی سواحل جنوبی دریای خزر نشان می‌دهد در سال آبی ۱۳۹۶-۹۷، میانگین تراز سطح آب دریا، به ۰۱/۲۷- متر رسیده است و این میزان نسبت به سال آبی گذشته (۹۶-۱۳۹۵) حدود ۴ سانتی متر پایین تر می‌باشد. کمترین تراز آب مشاهده شده در این دوره در نیمه اول آذر ماه و به میزان ۴۱/۲۷- متر و بالاترین تراز آب ۶۳/۲۶- متر در مرداد ماه ۱۳۹۷ بوده است. دامنه نوسانی تراز آب در این سال بالغ بر ۳۴ سانتی متر می‌باشد (فصلنامه دریای خزر، ۱۳۹۷: ۶).

۱۷

پژوهش‌های بین‌رشته‌ای
روابط بین‌الملل

تاثیر اختلاف‌ها و
چالش‌های سیاسی
کشورهای ساحلی
بر محیط زیست
دریای خزر (۲۰۱۷-
۱۹۹۱).

نمودار شماره ۳ "تغییرهای تراز آب در سال‌های آبی ۹۲-۱۳۹۱ الی ۹۶-۹۷"



منبع:

<http://wri.ac.ir/DesktopModules/News/NewsView.aspx?TabID=1&Site=DouranPortal&Lang=fa-IR&ItemID=2644&mid=15089&wVersion=Staging>

پرتال جامع علوم انسانی

نمودار زیر به گونه ای خلاصه موارد و گونه های تهدید زیست محیطی دریای خزر را نشان خواهد داد.



منبع: یافته های نویسندگان

عوامل چالش برانگیز میان کشورها جهت حل بحران محیط زیست:

چالش‌های کشورهای منطقه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

چالش‌هایی از درون و چالش‌هایی از بیرون

دیدگاه بیرونی نگاهی سیاسی - امنیتی از سوی فرا بازیگران است که در این دیدگاه، اقتصاد بهترین دستمایه برای ورود به منطقه می‌باشد. محور اقتصاد سیاسی می‌تواند ورود و نفوذ این بازیگران را تسهیل کند. چنین بازیگرانی نه تنها برای بهره‌برداری از انرژی این منطقه وارد می‌شوند، بلکه علاوه بر برآوردن نیاز و کاهش نیاز به انرژی، توان کنترلی دوسویه بر فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهند. مهمترین عامل و دستاورد از این حضور، کاهش وابستگی سه کشور دیگر حوزه دریای خزر به فدراسیون روسیه و ایران است. دیدگاه درونی چالش‌ها، مسئله حقوقی این دریا و عدم تمکین برخی کشورها علیرغم اجلاس‌ها، قراردادهای دوجانبه و چند جانبه و لاینحل ماندن مسائل مهمی مثل محدوده ماهیگیری و مرزهای آبی آن است. البته نگاه سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به هم‌همی موارد یاد شده نیز بر این چالش‌ها می‌افزاید. با این همه نقش انرژی را در تشدید آن نمی‌توان نادیده گرفت.

نقش انرژی

مکان جغرافیایی دریای خزر در غرب آسیاست و این منطقه همواره پر چالش بوده است. دریای خزر به عنوان مهم ترین منبع انرژی جهان اعم از نفت و گاز یقیناً در تیررس قدرت‌های سیاسی منطقه و فرا منطقه ای قرار دارد. منابع دریای خزر به یقین در آینده ی اقتصاد جهان نقش مهمی را ایفا می‌کند. برای دست‌یابی به حقوق اصلی برای همه ی کشورهای ساحلی آن همکاری، مهم و ضروری است. زیرا منابع زیر بستر دریا متعلق به اقتصاد بشری بوده و منافع اقتصادی آن نیز برای این کشورها مهم و حیاتی است. سود دهی این منابع در سایه ی همکاری امکان پذیر خواهد بود. با این همه علاوه بر ۵ کشور ساحلی، کشور های دیگری در خط دوم این منطقه نیز چشم به این منابع خواهند داشت. کشورهایی مثل ترکیه، گرجستان، ارمنستان، ازبکستان و قرقیزستان.

چالش بر سر منابع انرژی در دریای خزر به ظاهر در دسته بندی های اقتصادی قرار می گیرد، اما وجود ذخایر مناسب انرژی در این دریا نه تنها مورد توجه فزاینده کشور های ساحلی این دریا است، بلکه توجه ویژه قدرت های جهانی را نیز معطوف به آن ساخته است. رقابت در استفاده از انرژی، کشور ها را وادار می کند تا از ابزارهای نوین اکتشاف و استخراج سود برده، سپس ورود به بازار های جهانی را در دستور کار خود قرار دهند. حضور شرکت های بزرگ چند ملیتی در این منطقه موجب نفوذ سیاسی کشور های فرا منطقه ای را گسترش داده و با توجه به حضور فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، رقابت های اقتصادی جای خود را به رقابت های سیاسی می دهد. بنابراین وجود دو قدرت هژمون و یک قدرت راهبردی در حوزه خزر بر چالش های سیاسی می افزاید. این چالش ها در دسته بندی میان کشور های ساحلی قابل مشاهده است.

رژیم حقوقی پایدار

موضوع رژیم حقوقی از اصلی ترین عوامل چالش زادر روابط میان کشور های ساحلی در یای خزر است. زمانی که دریای خزر در میان دو کشور جمهوری اسلامی ایران و شوروی قرار داشت معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به گونه ای برای حل مسالمت آمیز مشکلات کفایت می کرد. اما پس از فروپاشی شوروی به ناگاه این دریا با ۳ حاکمیت جدید دیگر مواجه شد. بنابراین برابر آیین "لوح پاک" کشورهای جدید التاسیس الزامی به پیروی از آن قراردادها نداشتند. در این حالت پدید آمدن شرایط حقوقی جدید لازمه اش رژیم حقوقی تازه بود. حفاظت از اکوسیستم دریای خزر نیازمند حمایت همه ی کشورهای ساحلی است و این حمایت در چارچوب قوانین حقوقی امکان پذیر می - باشد. در تابستان سال ۱۳۹۷ سران کشور های ساحلی دریای خزر در قزاقستان در رابطه با کنوانسیون حقوقی دریای خزر به توافقی کلی دست یافتند، اما در رابطه با محدوده بستر وزیر بستر این دریا هنوز مواردی حل نشده باقی مانده است. این کنوانسیون تصریح دارد که روش تعیین و ترسیم خطوط مبدا می باید در موافقتنامه جداگانه ای معین شود. برابر بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون حدود بستر و زیربستر دریای خزر می باید از طریق توافق بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل، با توجه به اصول و

موازین شناخته شده حقوق بین الملل انجام شود. کشورهای ساحلی دریای خزر با علم و آگاهی از تخریب محیط زیست این دریا که بر اثر فعالیتهای مختلف انسانی، همچون تخلیه مواد مضر و خطرناک، صورت می‌گرفت و برای تضمین اینکه فعالیتهای در خشکی و دریا مضر نیست و البته با توجه به نوسانات سطح آب، که ویژگی‌های اکولوژیک منحصر به فرد آن را تهدید می‌کند، در کل برای حفاظت از محیط زیست دریای خزر و با همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مربوطه، کنوانسیون تهران را امضاء کردند (کولایی، گودرزی ۱۳۸۸: ۷۱).

۲۱

بنظر می‌رسد پس از تصویب کنوانسیون تهران در سال ۲۰۰۳ مسئله آلودگی دریای خزر خیلی تحت تأثیر این کنوانسیون قرار نگرفته است و کشورهای ساحلی دریای خزر کماکان دریا را آلوده می‌کند. پس از کنوانسیون تهران چندین پروتکل الحاقی که به این کنوانسیون مربوط می‌شد تصویب شده است. از جمله می‌توان به پروتکلی اشاره کرد که در آن دریای خزر را در برابر آلودگی‌هایی مصون می‌کند که از فعالیتهای در خشکی به آن تحمیل می‌شود. این پروتکل به "پروتکل مسکو" (۱۰ الی ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲) معروف شده است. "پروتکل عشق‌آباد" از نوع دیگری است که می‌توان نام برد، همچنین پروتکل موسوم به "آکتانو" در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶. اگرچه برای رسیدن به این امر که کشورها به درستی این پروتکل‌ها را مهم دانسته و اجرا کنند در حال حاضر تصویری نا امیدکننده است، و در نگاهی دیگر با توجه به تأکید کنوانسیون تهران هیچ گونه اطلاعات و آمار درست و دقیقی از فعالیتهای کشورهای ساحلی برای اجرای کنوانسیون در دست نیست. باید سهم هرکدام از کشورها در مورد آلودگی‌های متعدد از جمله آلودگی‌های ناشی از سموم کشاورزی، شهری، صنعتی و دریایی مشخص شود تا بتوان ساز و کارهای اصلاحی مناسب را برای کنترل این آلودگی بکار گرفت و سپس در چارچوب ابعاد مختلف از جمله ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تصمیم‌گیری کرد.

از سوی دیگر کشورهای امضا کننده کنوانسیون می‌باید به اجرای کامل آن متعهد باشند به عنوان مثال در ماده (۸) کنوانسیون به صراحت آورده شده است که هر کدام از طرفهای امضا کننده می‌باید در چارچوب نظام‌های ملی نسبت به آلاینده‌های نفتی مسئول باشند. اما جمهوری آذربایجان علیرغم اینکه بیشترین برداشت از نفت و گاز را از

درون بستر دریا دارد و در پی آن بیشترین نقش را در آلاینده‌گی خزر ایفا می‌کند، دو پروتکل الحاقی در مورد مسائل زیست محیطی را امضاء نکرده است. این جمهوری اولین کشوری بود که بدون توجه به هم‌پای موارد زیست محیطی اقدام به برداشت نفت و گاز در دریای خزر کرده است. در حاشیه اجلاس سران اکو در تهران در ۲۹ بهمن ۱۳۷۰ برابر با ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ اولین گام اساسی برای حل مشکلات حقوقی این دریا با حضور رؤسای جمهور جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان و سفیر فدراسیون روسیه در تهران برداشته شد. بیانیه حاصل از این جلسه بر لزوم تشکیل سازمان همکاری دولت‌های ساحلی دریای خزر تأکید داشت. آنچه در این نشست مطرح شد، آغازی بر شکل‌گیری رژیم حقوقی این دریا بود که با ایجاد چند کمیته، از جمله کمیته رژیم حقوقی، کمیته تحقیقاتی- علمی، کمیته حمل و نقل، کمیته ماهیگیری (کمیته منابع بیولوژیک دریای خزر)، کمیته نوسانات آب و کمیته حفاظت از محیط زیست رامیتوان نام برد (Damirchilu, 2008: 24). در امضای کنوانسیون جدید موضوع محیط زیست همچنان در ابهام است. بطور کلی در این کنوانسیون فقط ۴ بار از واژه محیط زیست استفاده شده است که تنها یک مورد آن شرایط اجرایی دارد. در همین رابطه در بند ۱۴ آن به تعبیه خطوط لوله سراسری زیر دریایی بر روی بستر دریای خزر اشاره شده که کشورها مجاز به آن هستند و در ادامه به پروژهای با استاندارد محیط زیستی اشاره دارد که می‌باید همه اقدامات در چارچوب حفاظت از محیط زیست باشد. در ماده ۱۵ این کنوانسیون حقوقی ذکر شده است که همه طرف‌ها (کشورها) به طور مشترک و یا جداگانه همه تدابیر لازم را برای حفاظت از محیط زیست، تنوع زیستی، مدیریت پایدار منابع زنده دریا، جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریای خزر بکار گیرند. باید توجه داشت که به لحاظ ژئو مرفولوژی تمام این آلودگی در نهایت متوجه بخش جنوبی و جمهوری اسلامی ایران است. اما این کنوانسیون هرگز ضمانتی برای اجرای مبانی محیط زیست نیست چون عملاً چنین اتفاقی نمی‌افتد. به دلیل اینکه بهره بردای نفتی از این دریا موجب تشدید آلودگی این دریا است.

واگرایی- همگرایی کشورهای ساحلی خزر

همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولتها و بازیگران سیاسی است که منافع ملی تعیین کننده روش دولتها در همگرایی یا واگرایی با دیگران می باشد. به عبارت دیگر اگر بازیگری به واگرایی یا همگرایی تن می دهد نخست به تأمین منافع ملی خود می - اندیشد. بنابراین منفعت بازیگران شکل همگرایی و واگرایی را تعیین می کند. در همگرایی خیز برداشتن به سمت هدفی مشترک با دیگر بازیگر است و واگرایی درست نقطه متقابل این حالت معنا می یابد (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۷۳). متغیرهای ضدهمگرایی را می - توان در برخی مؤلفه ها برشمرد. مؤلفه هایی مثل اختلاف های ایدئولوژیک، مرزی - ساحلی، ضعف های ساختاری در اقتصاد و صنعت، پایبندی صرف به منافع ملی و نفوذ بیگانگان. عموماً این گونه حالات سیاسی در کشورهای جهان در حال توسعه بیشتر یافت می شود. چون روابط اقتصادی این گونه کشورها معطوف به بازیگر بزرگتر و مهمتری است که موجب تعهدات خارجی بیشماری برای آنان است. این تعهدات می تواند سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی باشد که دقیقاً در برابر همگرایی منطقه ای آنان با دیگر کشورهای منطقه قرار می گیرد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۹).

اصل دیگر دخیل در واگرایی یا همگرایی امنیت است. به اعتقاد "باری بوزان" به دلیل اینکه تهدید هایی از فواصل نزدیک، سریع تر احساس می شود تا از فاصله دور. اغلب احساس ناامنی از مرزهای نزدیک بوجود می آید و الزام سیاست امنیتی خاص، در مجاورت جغرافیایی رخ می دهد. ملاحظاتی خاص امنیتی معمولاً در مرزهای مجاور جغرافیای کشورهای هم مرز اتفاق می افتد. به اعتقاد "الکساندر ونت" اعتماد حداکثری موجب دوستی دو کشور هم مرز می شود. در اعتماد حداقلی مناقشات حل ناشدنی است (سریع القلم و سجاد پور، ۱۳۸۵: ۲۶). پس از فروپاشی شوروی و خارج شدن کمونیسم از مدار سیاسی جهان دریای خزر از دیدگاه های بین المللی اهمیت فراوانی یافت. این اهمیت پس از کشف و شناخت اهمیت منابع غنی هیدروکربنی نهفته در دریا به اوج خود رسید. عملیات و حفاری و سپس انتقال آن به بازارهای جهانی، برای کشورهای استقلال یافته، به موضوعی نه تنها اقتصادی، بلکه شکلی سیاسی - امنیتی به خود گرفت. گرایش به شرکتهای چندملیتی و کنسرسیوم های نفتی فرامنطقه ای موجب بروز

پیچیدگی‌های سیاسی و "واگرایی" کشورهای ساحلی از یکدیگر شد. حضور بازیگران فرامنطقه‌ای نیز بر شدت این واگرایی افزود و عملاً گرایش به همکاری را میان کشورهای ساحل دریای خزر به صفر رساند. به دنبال فروپاشی شوروی این نظریه قوت یافت که منطقه جدیدی در حوزه دریای خزر شکل گیرد که مشتمل بر فدراسیون فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی ایران و سه کشور تازه استقلال یافته جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان است چون این کشورها به دلایل جغرافیایی دارای نقاط مشترک بودند. نظام منطقه‌ای در حوزه خزر از بخشهای زیر تشکیل می‌شد:

۱. بازیگران بخش مرکزی یعنی فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی جمهوری

اسلامی ایران، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان

۲. بازیگران بخش پیرامونی که تشکیل می‌شدند از ترکیه، گرجستان و چین

۳. بازیگران مداخله‌گر که عبارت بودند از آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل و ناتو.

رفتار بازیگران پیرامونی و مداخله‌گر به نظام منطقه‌ای خزر تأثیری نهاده اند. این تأثیرات همان عوامل واگرایی در منطقه است. به دلیل ضعف برخی از کشورهای بخش مرکزی، راهبرد بخش مداخله‌گر چه در حوزه نفوذ در بخش مرکزی و هم برای کاهش قدرت فدراسیون روسیه و حتی تضعیف جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از موارد بسیار مؤثر بود. حتی کشورهای مداخله‌گر در برخی موارد تصمیم به حذف جمهوری اسلامی از منطقه و دور کردن آن از شرایط منطقه‌ای بوجود آمده، و تلاش بر جایگزینی آن توسط دیگر کشورها داشتند. شیوه‌های آنها عبارت بود از تهدید، ابقاء، وعده و توسل به زور. عمده‌ترین تصمیمات آنها برای کاهش قدرت فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران به مسئله انتقال گاز و نفت دریای خزر مربوط می‌شود به پیشنهاد شکل‌های این انتقال که از خاک کشورهای جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه عبور نکند. (رمضانی و محرابی، ۱۳۸۹: ۱۰).

از طرف دیگر رفتار بازیگران بخش مرکزی دریای خزر نیز از انسجام کافی برخوردار نیست. این عدم انسجام به گونه‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی، انتقال انرژی و ترتیبات همکاری بین دولتهای منطقه مربوط می‌شود. چون لاجرم این منطقه وارد معادلات سیاسی جهان شده در پی آن خواهان توجهات بین‌المللی است. توجهات مذکور بدون

شک به دلیل تأثیرات "ژئوپلیتیک" و "ژئواکونومیک" و سیاستهای کشورهای فرامنطقه - ای است. بنابراین کشورهای فرامنطقه‌ای برای عدم شکل‌گیری همگرایی این منطقه بطور مؤثر تلاش می‌کنند تا حضور دائم خود را در این منطقه تقویت کنند (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲، ۷۲). رژیم حقوقی دریای خزر موضوعی است که هم به واگرایی در منطقه و هم به همگرایی کشورهای ساحلی منجر خواهد شد. طول ساحلی دریای خزر در مجموع ۶۵۰۰ کیلومتر است که در حدود ۷۰۰ کیلومتر آن در ساحل جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. این دریاچه به دریا‌های آزاد جهان راه ندارد تنها راه اتصالی آن کانال‌های ایجاد در ولگا رود به دریای سیاه است. پس از جنگ سرد این منطقه به یک منطقه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مهم و حساسی بدل شده است. "کولبرگ" دریای خزر را "هارتلند" نوینی می‌داند که در قرن بیست و یکم در سیاست بین‌الملل تأثیرات شگرفی خواهد نهاد (Zabortseva, 2012:170).

۲۵



تأثیرات اختلاف‌ها و
چالش‌های سیاسی
کشورهای ساحلی
بر محیط زیست
دریای خزر (۲۰۱۷-
۱۹۹۱).

حوزه‌های امنیتی خزر

تحلیل حوزه‌های امنیتی خزر نیازمند پرداختن به حوزه‌های بزرگتر از جمله امنیت اوراسیا، آسیای میانه و قفقاز جنوبی است. "گراهام فولر" خطرات این امنیت را نخست در تحولات داخلی فدراسیون روسیه، ترکیه، افغانستان، هند و پاکستان می‌داند. در مرحله بعد در همکاری میان جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه و ترکیه و در مرحله سوم شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای و ائتلاف‌های جدید میان دولت‌ها در داخل و حوزه اوراسیا؛ و در نهایت به رابطه جمهوری اسلامی ایران با غرب و فدراسیون روسیه می‌داند. این منطقه به دلیل شرایط ژئوپلیتیکی و امنیت انرژی توجه غربی‌ها را به خود جلب کرده است. تحول در سیاست خارجی کشورهایی مثل فدراسیون روسیه، جمهوری اسلامی ایران، چین و ترکیه همواره این امنیت را دستخوش شرایط و تعاریف تازه‌ای کرده است. غرب و ناتو همواره تلاش داشته‌اند تا از قدرت هژمونیک جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه و حتی چین در این منطقه بکاهند، چون برای دست‌یابی به انرژی نیازمند پیگیری تضعیف هژمون هستند. مولفه دیگر امنیت برای غرب در این منطقه کنترل شرایط فرهنگی، قومی، زبانی و حتی مذهبی است که اهمیت ثانوی دارد. از نگاه غرب رشد نهضت‌های افراطی در منطقه منتج از چنین همگرایی‌های است. این

تمایل به غرب ستیزی می‌تواند انگیزه‌های پیوند آنان را افزایش دهد. غرب البته خواهان حضور دولت‌های ضعیف در منطقه نیست، چون دولت‌های طرفدار غرب اگر ضعیف باشند، توازن به نفع فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران خواهد بود و این از عوامل بی‌ثباتی در منطقه است که در این صورت امنیت انرژی منطقه مورد تهدید قرار می‌گیرد (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۴). جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و حتی پاکستان می‌توانند در این حوزه بازیگران قدرتمندی باشند. بنابر این نگاه امنیتی به جمهوری اسلامی ایران از سوی غرب بیش از پیش ضروری دانسته می‌شود. راه آبی خزر یک هژمونی منحصر به فردی را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که قابل توجه است. حضور چنین قدرت‌هایی در این منطقه موجب برانگیخته شدن حساسیت‌ها در سیستم جهانی است. در منطقه‌ی آسیای مرکزی یک منطقه ژئوپلیتیک مدرن وجود دارد که حوادث در آن موجب حساسیت آمریکا و ناتو است. و آن ارتباط خزر و قفقاز است. چنین ارتباطی پتانسیل بحران‌سازی را در خود دارد که مورد توجه آمریکا قرار گرفته است و حاصل آن اتحادی است موقت میان آمریکا، جمهوری آذربایجان و گرجستان که فدراسیون روسیه را وادار به ورود به یک "بازی بزرگ" نموده است. با توجه به تئوری "هارتلند" و اینکه فدراسیون روسیه در مرکز این هارتلند قرار دارد، مایل به کاهش هژمونی خود در این منطقه نیست. فدراسیون روسیه از منظر راهبردی آن راجدالی سیاسی می‌بیند که در صورت عدم کنترل آن، امکان کاهش قدرت هژمونیک این کشور وجود دارد (Kurecic, 2010:32).

توازن قوا

در باره موازنه قوا تفسیرهای مختلفی ارائه شده است. نخستین آن، تغییر شکل توزیع قدرت و یا مکانیسمی خودکار در سیاست بین‌الملل است که موجب ایجاد تعادل و یا عدم تعادل مطلوب و مناسب می‌گردد. این تفسیر زمانی کارکرد دارد که دولت‌ها سهمی بیشتر از قدرت را در نظام بین‌الملل طلب می‌کنند. در چنین فرایندی توازن قدرت بهم می‌خورد. برخی از دولت‌ها افزایش قدرت را تهدیدی برای خود می‌انگارند که در این صورت برای برقراری مجدد موازنه قدرت به اقدامات نظامی یا دیپلماتیک دست می‌زنند. با اینهمه پاره‌ای از تعاریف موازنه قدرت به شرح زیر است:

- ۱- موازنه‌ای که از توزیع برابر یا نابرابر قدرت میان دولت‌ها ناشی می‌شود.
- ۲- نظامی که موجد برقراری صلح و ثبات نسبی شود.
- ۳- موازنه‌ای که بر اثر تسلط یک دولت بوجود آید
- ۴- نظامی که از بی‌ثباتی و جنگ بوجود آید
- ۵- سیاستی که محور آن اصالت قدرت باشد. (قوام، ۱۳۸۷، ۲۱۹).

کشورهای ساحلی دریای خزر علی‌رغم توافق‌های حاصله از مذاکرات مختلف، امضای کنوانسیون حقوقی و ملاقات‌های گوناگون دیپلماتیک سران و مسئولین سیاسی مربوطه، در جهت واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، تأکید بر توازن قوا داشته و این موازنه را راهی برای امنیت خود می‌انگارند. توسل به بازیگران فرا منطقه‌ای از سوی برخی کشورها مثل جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، نشانگر پای فشردن بر این ایده است. اگر چه آنان بر همکاری‌های نظامی مشترک تأکید می‌کنند اما در عین حال با افزایش توان نظامی خود تلاش بر موازنه قوا دارند. بدون شک تلاش برای نظامی‌گری در حوزه دریای خزر تهدیدی جدی برای همه کشورها محسوب می‌گردد. اگر دولت‌های منطقه با آشوب و یا نارضایتی‌های داخلی مواجه شوند موجب بی‌ثباتی منطقه خواهد شد زیرا ضعف دولت‌های مذکور به همسایگان سرایت کرده و مرزهای کشورها نفوذپذیر می‌گردد. در این صورت است که دخالت فدراسیون روسیه بر بی‌ثباتی و چالش‌ها می‌افزاید. حضور ناتو در مقطعی از زمان بر این بی‌ثباتی‌ها افزود. کشورها در این صورت تلاش کردند تا در جهت نظامی به توازن قوا دست یابند و این موضوع به پدیده‌ای چالش‌برانگیز تبدیل شد که خطر نظامی شدن را در منطقه مذکور افزایش داد.

باتوجه به توافق سران کشورهای دریای خزر، هیچ نیروی نظامی به غیر از نیروهای ۵ کشور ساحلی نباید در دریای خزر حضور داشته باشند اما باتوجه به انرژی تخمین زده در دریای خزر اعم از نفت و گاز و شکل‌های بهره‌برداری و صدور آن، کشورهای ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان را به سمت شرایط "فرا توافقی" سوق می‌دهد. امنیت لوله‌ها و صادرات آن بهترین بهانه برای حضور نیروهای غربی در این کشورها است. نوسانات قیمت نفت و تعارضاتی در حوزه مالکیت مناطق نفت‌خیز میان

برخی کشورها، از سال ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۷، موجب رشد پنجاه درصدی هزینه‌ها و بودجه‌های نظامی کشورهای این حوزه شده است. (مولایی و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

چالش‌های ژئوپلیتیکی دریای خزر

با توجه به تعاریف ژئوپلیتیک، در حقیقت آن به امکاناتی توجه دارد که جغرافیا در اختیار انسان یا دولت‌ها قرار داده است. بر این اساس منطقه خزر از نقطه نظر ژئوپلیتیک خط پهناوری است که از قفقاز در خاور دور تا آسیای میانه در باختر کشیده شده است. دریای خزر ضمن جداسازی این دو خط محل اتصال آن دو به هم است. به این دلیل مهم، این منطقه از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است که اهمیت ژئوپلیتیکی آن را افزایش می‌دهد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۵).

دریای خزر تا پیش از فروپاشی شوروی میان جمهوری اسلامی ایران و شوروی تقسیم شده بود. اما پس از فروپاشی به منطقه‌ای پرچالش تبدیل شد که حتی روی مسائل فرامنطقه‌ای نیز تاثیر نهاده است. جمهوری اسلامی ایران در بخش جنوبی این دریا قرار دارد و کنش و رفتار بازیگرانی که در آنسوی ساحل خزر وارد عرصه جهانی شده‌اند بسیار مهم است. جمهوری اسلامی ایران مدل ۴+۱ را هرگز نپذیرفت و این خود موجب تنش‌های بعدی شد. این دریا به دلیل دارا بودن منابع انرژی در داخل و اطراف آن عرصه یکی از رقابت‌های پیچیده در منطقه است. به ویژه که جمهوری اسلامی ایران مسیر طبیعی و مستقیم این دریاچه به آبهای جهان است و باید از این ظرفیت بهره‌برداری کند و ضمن بهره‌گیری از آن، منافع جمهوری اسلامی ایران نباید ابزار بازیهای دیگر کشورها قرار گیرد. (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۲: ۵۹).

این دریا میان دو قاره آسیا و اروپا قرار دارد که وسعت آن با توجه به تغییرات آب از ۳۷۸۴۰۰-۴۲۹۱۴۰ کیلومتر مربع متغیر است و در جنوب نسبت به شمال از عمق بیشتری برخوردار است (دانه‌کار، ۱۳۸۰، ۱۱۲). قرار گرفتن در محل تلاقی تمدن‌های بزرگ چندین هزار ساله و تلاقی قاره‌های آسیا و اروپا، از نظر جغرافیای سیاسی، منطقه‌ای استثنایی است (ازغندی، ۱۳۸۱، ۱۱۷). به همین دلایل و علی‌رغم همه‌ی هیاهو‌ها، همچنان مهمترین منطقه ژئوپلیتیک در دنیاست. شرایط در منطقه خزر منحصر به فرد است. چون منافع بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به شکل تنگاتنگ، چه در حوزه

انرژی و چه در حوزه امنیت به یکدیگر پیوند خورده است. جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه، چین، ترکیه و اتحادیه اروپا و آمریکا از جمله برجسته ترین این بازیگران هستند. مبارزه آشکار و پنهان این قدرت های بزرگ بر کنترل منابع انرژی دریای خزر در حال انجام است که در حال حاضر یکی از عناصر موثر در مناسبات بین المللی بوده و به گونه ای قابل توجه بر توازن قوا در بازارهای جهانی تاثیر نهاده است (امیراحمدیان، ۱۳۹۵، ۱۵).

در میان کشورهای ساحلی دریای خزر انتقال انرژی از مباحث مهم و چالش برانگیز است. مسیر های این انتقال، با توجه به ژئوپلیتیک منطقه و تاثیر گذاری بازیگران بین المللی، شکل پیچیده تری یافته است. کشور هایی که در مسیر انتقال این انرژی قرار می گیرند، نه تنها به سود اقتصادی بلکه به منافع سیاسی آن توجه ویژه ای دارند. چنین شرایطی، در جهت تثبیت مواضع و موقعیت ژئوپلیتیکی، برای کشورهای مذکور، موقعیتی استثنائی محسوب می شود. جمهوری اسلامی ایران از جمله امن ترین کشورها برای این انتقال است. امکاناتی مثل کارگران فنی و ماهر در صنایع نفتی، تسهیلات بندری، حمل و نقل، پالایشگاه ها و شبکه های موجود در رابطه بالوله های نفتی و گازی، از امتیازات چشمگیر این کشور برای انتقال انرژی دریای خزر است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۲۳۴). اما کشور های غربی به دلیل چالش هایی که با جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه دارند همواره مانع شکل گیری این همکاری در انتقال بوده اند. تلاش آمریکا بر این بوده است که پس از فروپاشی شوروی موضوع انتقال انرژی کشور های ساحلی بدون وابستگی به فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد. دلیل اصلی نه تنها تنوع در انتقال انرژی بلکه سیاسی است. بنابراین انرژی منطقه از دیدگاه ژئوپلیتیک به شدت مورد توجه و اهمیت قرار دارد (میرحیدر و طاهری، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

واضح است که اهمیت انتقال انرژی، مزیت های اقتصادی نیست بلکه ملاحظات سیاسی است. کشورهای فرا منطقه ای، خصوصاً آمریکا در حالی که از هزینه های زیاد انتقال انرژی در صورت انتقال از مسیری به غیر از جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه واقف اند، اما همچنان تلاش دارند که مسیر های دیگری را جایگزین کنند. متغیر های سیاسی تاثیر گذارترین عامل بر این تصمیم گیری ها بوده است. اگرچه این کشور

ها بر موضوع امنیت انتقال انرژی تاکید داشته اند، علیرغم امنیت جمهوری اسلامی ایران هرگز زیر بار استفاده از مسیر جمهوری اسلامی ایران نرفته اند (Cortdsman, 2012). (120) اهمیت ژئوپلیتیک منطقه ی خزر مداوما در حال افزایش بوده، منابع هیدرو کربنی آن برای مصارف بسیاری از کشور ها مهم است که در صنایع مختلف بکار آمده، نقش آن حتی در انرژی جهانی به شدت رو به افزایش نهاده است. لاجرم کنترل منطقه برای سود دهی، به مسئله امنیت مربوط خواهد شد. به همین دلیل "بازی بزرگ" برای امنیت منطقه آغاز، این مسئله دقیقا پس از فروپاشی شوروی شدت گرفته است. از آغاز، منازعه ی بزرگ، در سطوح آکادمیک رخ داد و این مسئله ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی فقط منحصر به کشور های ساحلی نیست، بلکه فراتر از آن تفسیر می شود. به لحاظ جغرافیایی دریای خزر از سوی ۵ کشور احاطه شده است اما معنای ژئوپلیتیک اش فراتر از آن خواهد بود که اشاره به مناطق وسیعتری خواهد داشت که شامل کشورهای مرتبط و متصل می شود. موضوع "بازی بزرگ" در منطقه خزر نقش نیروهای فرا منطقه ای را برای دست یابی به انرژی منطقه روشن می کند (Abilov, 201240).

بازی بزرگ ژئوپلیتیک آمریکا با فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر در رابطه با انتقال انرژی به حساست این منطقه افزوده است. از سوی دیگر اروپا که از منابع انرژی فدراسیون روسیه استفاده می کند، به دلیل تهدید های احتمالی فدراسیون روسیه در شمال آفریقا، در این بازی ژئوپلیتیک روی آورده و به دلیل امنیت و تنوع بیشتر در انتقال به منطقه خزر نگاهی ویژه دارد. جمهوری اسلامی ایران اما پیشگیری از نفوذ بیشتر آمریکا در منطقه را در اولویت های راهبردی خود قرار داده، تلاش می کند مسیر انتقال انرژی از این کشور را امن تر و ارزان تر مطرح کند. نفوذ و سلطه فدراسیون روسیه بر دیگر کشور های ساحلی به عنوان یک قدرت هژمون هنوز پابرجا است. بنابراین تصور حل شدن دشواری ها و اختلاف های این چنین در منطقه خزر از دیدگاه ژئوپلیتیک در کوتاه مدت بعید است.

بازیگران پنهان منطقه

جمهوری های نوپا در حوزه خزر به دلیل نیاز مندی های اقتصاد و آغازگری در مبادلات تجاری با دنیای غرب نیاز مبرم به عواید فروش انرژی دارند. بنابر این توسعه

ی نظام اقتصادی آنان نیازمند ورود به دنیای اقتصاد جهانی است و برای ارتباط با آن می‌باید به شبکه‌های ارتباطی اقیانوسی متصل شوند. نیاز غرب به انرژی این منطقه نیز نیازمندی دوسویه را شکل داده است و در مجموع شرکت‌های نفتی غربی همراه با تکنولوژی جدید به منطقه وارد شده‌اند. در حال حاضر ۷۵ درصد بازار این منطقه در اختیار غربی‌ها است. شکل‌گیری سیاست‌های غرب در منطقه خزر از موارد مهم و مناقشه‌برانگیز میان کشورهای ساحلی آن است. در این منطقه دو کشور جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به شدت در تقابل با منافع آمریکا قرار دارند. سیاست‌های این دو کشور با سیاست‌های آمریکا ستیز جویانه است. دیگر کشورها مثل ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان، شرایطی به مراتب متفاوت با این دو دارند. از ابزارهای مهم مورد استفاده آمریکا در منطقه خزر عبارتند از سیاست، فرهنگ و اقتصاد. البته آمریکا خواهان بی‌ثباتی در منطقه نبوده، از رویارویی پرهیز دارد. (Valiyer, 2005, 45)

بدبینانه نیست اگر تصور کنیم آمریکا به دلیل حضور هژمونیک فدراسیون روسیه و نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، افزایش تنش پرهیزی کند. اهمیت ژئوپلیتیک منطقه، پس از فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای جدید برای آمریکا افزایش یافت. به دلیل وجود ذخایر نفت و گاز در منطقه خزر بی‌ثباتی در این محدوده برای غرب خوش‌آیند نبود، چون هزینه‌های آنان برای دست‌یابی به انرژی افزایش می‌یافت. ناتو به بهانه طرحی موسوم به "مشارکت برای صلح" با برخی از کشورهای تازه تاسیس ارتباط نزدیکی برقرار کرد. جمهوری ترکمنستان اولین کشوری بود که به این طرح پیوست. جمهوری آذربایجان از میان دیگر کشورهای ساحلی تنها کشوری بود که تلاش فراوان داشت با توسل به ناتو و آمریکا دست فدراسیون روسیه را در این منطقه بسته نگه دارد. واقعیت این است که دریای خزر برای آمریکا و غرب منطقه‌ای حیاتی است. چون برخی ناظران منابع انرژی آن را فراتر از خلیج فارس می‌انگارند. حضور ناتو بر اساس درخواست برخی از کشورهای تازه تاسیس شده در آسیای میانه و کشورهای ساحلی خزر منهای جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه بود و این در چارچوب تحلیل سران غرب بود که تهدیدهای دورتر پس از جنگ سرد به مراتب مهم‌تر از تهدیدهای

مرزی نزدیک خود است. به دلیل اهمیت هم پیمانان جدید غرب در این منطقه، علاقه آنان به حوزه دریای خزر همراه با نگرانی‌های ویژه‌ای است. واقعیت بدون کتمان این است که اهمیت انرژی منطقه هر بازیگری را به حرکت وادار می‌دارد. انرژی خزر می‌تواند به عنوان منبعی اضافی برای آینده بکار آید ضمن اینکه برخی فشارها از خاور میانه به این جا منتقل خواهد شد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

نتیجه‌گیری

دریای خزر همانند پیکره بسته‌ای فاقد هر گونه ارتباط طبیعی با سایر دریاها و اقیانوسهاست. این ویژگی برای محیط زیست آن شرایط نامناسبی را رقم می‌زند که موجب آسیب‌پذیری شدید آن در برابر عوامل خارجی از جمله کنش‌های انسانی، آب و هوایی و حتی سیاسی می‌شود. فک خزری و ماهیان خاویاری در خطر انقراض قرار دارند. در طول ۲۰ سال گذشته تا کنون جمعیت آن‌ها از یک میلیون به ۱۰۰ هزار و جمعیت دیگر ماهیان به شکل چشمگیری کاهش یافته است. ماهی کفال که در مصب رودخانه‌ها زندگی می‌کند، با حجم انبوهی از سموم مواجه است. در دریای خزر پساب‌ها و آلاینده‌ها بزرگترین تهدید محسوب می‌شوند. مهمتر از آن آلودگی‌های نفتی خصوصا در مناطق شمال، شمال شرق و منطقه جمهوری آذربایجان به شدت منابع زنده دریای خزر را تهدید می‌کند. ورود سالانه یک میلیون تن نفت به این دریا تقریبا برابر است با آلودگی خلیج فارس. بیشترین آلودگی از سمت جمهوری آذربایجان است. پساب‌های صنعتی روسیه مورد دیگری از آلودگی است. حدود هفت میلیون نفر جمعیت در سواحل ایران زندگی می‌کنند که فقط ۲۰ درصد از آنها به شبکه فاضلاب متصل هستند. حریم دریا، که اکنون ۶۰ متر است، تقریبا در هیچ منطقه‌ای رعایت نمی‌شود. پیشگیری از پساب‌ها و کنترل آلاینده‌های هیدروکربنی از مهمترین راه‌کارها است. تشدید فعالیت‌های نفتی کشورهای شمال، شرق و غرب دریای خزر در کنار دیگر آلاینده‌های شیمیایی، بیشترین نقش را در آلودگی این دریا دارد. آلاینده‌های دیگر که موجب فرسایش این دریا شده است عبارتند از: آلودگی‌هایی ناشی از اکتشاف و استخراج انرژی، تخلیه مواد زائد و سمی، آلودگی‌های ناشی از توازن آب کشتی‌ها و آلودگی‌های ناشی از اتمسفر. آلودگی‌های نفتی به گونه‌های مختلف روی اکوسیستم

دریای خزر تاثیر منفی دارد. استخراج نفت و گاز همراه با انتقال آن به مناطق دیگر، بستر دریا را آلوده می کند. بکارگیری فناوری های کهنه و غفلت های انسانی، حتی در بهترین شرایط عملکردی نیز، تاثیر منفی دارد. از سوی دیگر انتقال انرژی نیز محیط زیست را با تهدید روبه رو می سازد. انتقال نفت و گاز از طریق لوله با امکان نشت و ریزش، خطر های جدی را به دنبال دارد. سواحل جمهوری اسلامی ایران در جنوب این دریا به دلیل عدم استفاده از انرژی، عدم توسعه صنایع مربوطه و نداشتن عملیات اکتشافی، تا حدی مصون مانده است. با این همه به دلایل ژئومورفولوژیک و به دلایل جریانات جنوبی، منابع زنده این دریا در سواحل ایران به شدت در معرض آسیب قرار دارند و با توجه به تغذیه این منابع از سوی جمعیت کثیری از مردم در ایران، بسیاری از آنان در معرض انواع بیماری ها قرار گرفته اند.

بدون شک دریای خزر یکی از مهمترین نقاط راهبردی جهان است و مسائل آن به عنوان مهمترین چالش های بین المللی دهه اخیر مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. موضوع انرژی، اگرچه در مقدار و حجم آن از آغاز اغراق شده بود، به مهمترین عامل و اگرایی در شکل حضور فراپایگرا تبدیل شده است. این دریا اگرچه از تنوع زیستی منحصر به فردی برخوردار است اما منابع نفت و گاز آن مورد توجه اکثر جهانیان بوده و صنایع ماهیگیری متعددی در حاشیه آن در تمام کشورهای ساحلی شکل گرفته است. ترس از فدراسیون روسیه برای کشور هایی مثل جمهوری آذربایجان و ترکمنستان و قزاقستان، پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی، موجب نزدیکی آنان به کشورهای فرا منطقه ای شد. برای تقویت این مواضع نیاز به بودجه های هنگفت است که منافع حاصل از صدور انرژی برای رسیدن به این هدف کارساز خواهد بود. این کشور ها علیرغم تاکید بر ایدئولوژی پیشین، عملاً به دنبال نزدیکی به آمریکا و اتحادیه اروپا برای دستیابی به سرمایه های لازم برای رقابت های آینده هستند. ویژگی های خزر مبنی بر اینکه دریا محسوب می شود یا دریاچه، موجب نیاز این حوزه به رژیم حقوقی منحصر به فردی شده است. تعارض منافع در رابطه با استفاده از انرژی و خطوط ساحلی متفاوت بر این ابهام می افزاید. امضای کنوانسیون حقوقی دریای خزر در قزاقستان در مرداد ماه سال ۱۳۹۷ از سوی سران کشور های ساحلی دریای خزر اگرچه می تواند گامی مثبت

ارزیابی شود اما ابهام‌هایی را نیز به همراه دارد از جمله عدم جدیت در اجرای بند‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست. در این کنوانسیون معیارهای تقسیم دریا به تعویق افتاده است، چون تغییری در مواضع دولت‌های ساحلی در این رابطه دیده نمی‌شود. تعیین حدود در دریای خزر به عنوان مهمترین موضوع اختلافی، خارج از کنوانسیون بررسی خواهد شد بنا بر این ابهام‌ها همچنان برجا است. ناکارآمدی رژیم حقوقی دریای خزر، ابهام در استفاده بهینه از انرژی موجود در دریا، نقش کشورهای منتفع از ترانزیت انرژی و کالا در مسیر حرکت، مشترک نبودن شیوه‌های تامین امنیت دریای خزر از سوی کشورهای ساحلی، سیاست‌های خارجی متفاوت این کشورها در برابر بازی بزرگ فدراسیون روسیه و آمریکا و در نهایت بی‌تفاوتی به منطقه‌گرایی، از عوامل واگرایی کشورها در منطقه خزر است. کنوانسیون حقوقی دریای خزر در مورد آلودگی به مثابه یک ویتترین قشنگ اما ناکارآمد است آنچه از متن کنوانسیون جدید برمی‌آید اگر چه نسبت به گذشته پیشرفت داشته، اصلاحاتی صورت گرفته اما در مورد حفاظت از محیط زیست این دریا مورد خاص و جدیدی به آن اضافه نشده است. در این کنوانسیون فقط ۴ بار به محیط زیست اشاره شده است. در مورد تقسیم دریا و تعیین خطوط مرزی تصمیمی گرفته نشد و از میان مدل‌های پیشنهادی موضوع تقسیم دریا مسکوت مانده و به توافق‌های دو یا سه جانبه در آینده ارجاء داده شد. در این مقاله تلاش شد که ضمن تبیین شرایط و ساختار سیاسی کشورهای ساحلی خزر به عوامل همگرایی و واگرایی با توجه به عواملی مثل انرژی، حضور بازیگران پنهان مثل آمریکا و اسرائیل برای برهم زدن توازن قوا و کاهش قدرت هژمونیک فدراسیون روسیه و کنترل قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تغییر راهبردی انتقال نفت و گاز بدون تکیه بر این دو کشور، پرداخته شود. با توجه به شکل انتقال انرژی، عملاً کشورها به ۲+۳ تبدیل شدند و عبور لوله‌ها از مسیر دریا به سمت غرب از عوامل مهم تهدید محیط زیست این دریا است. چالش‌های سیاسی در این فصل به دو بخش، چالش‌هایی از درون و از بیرون تقسیم بندی شد. مهمترین تاثیر این چالش‌ها بر محیط زیست این دریا است. چون مانع توافقی همه جانبه و پایدار برای موضوعات حقوقی این دریا می‌شود.

مهم‌ترین متغیر تاثیر گذار در محیط زیست دریای خزر که مورد بررسی قرار گرفت چالش‌ها و اختلافات سیاسی بود. نگرش‌های منفی در سه محور قابل ارزیابی است نخست در سیاست خارجی کشورها، سپس فدراسیون روسیه به عنوان قرار گرفتن در جایگاه قدرت هژمون و سوم، جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای تاثیر گذار. برخی از آشفتگی‌های سیاسی در حوزه خزر به دلیل اقدامات دوجانبه فدراسیون روسیه در جایگاه هژمون با برخی از کشورهای تازه استقلال یافته در رابطه با دریای خزر است. بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های سیاسی میان کشورهای هدف اصلی این مقاله بررسی شرایط سیاسی کشورهای ساحلی دریای خزر و تاثیر این شرایط بر محیط زیست این دریا است. در واقع هدف پاسخ به این سوال بود که "تاثیر چالش‌های سیاسی کشورهای ساحلی دریای خزر بر روی محیط زیست این دریا چیست؟". فرضیه مورد نظر برای پاسخ به این پرسش که بر اساس مطالعات و کنکاش نگارنده این سطور طرح و بررسی شد این بود که زمینه‌های بحران در محیط زیست دریای خزر به دلیل انواع نگرش‌های سیاسی کشورهای ساحلی یاد شده در ارتباط با هم و جامعه جهانی با عنایت به استفاده از انرژی حوزه خزر و نگرش فایده‌گرایانه آنان به این دریا، بسیار متنوع و مختلف بوده که حاصلش تبدیل به سؤطن‌های سیاسی برخی از کشورها به یکدیگر شده، به تشدید این اختلافات می‌افزاید. اساساً تقسیم‌کننده‌های ساحلی دریای خزر به دو محور، که یک محور آن جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه و سمت دیگر جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، و قزاقستان قرار دارد، موجب افزایش وزن واگرایی میان آنان می‌شود. آغاز این تقسیم‌شدن، به دلیل مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و استفاده بیش از حد از انرژی این دریا است. مؤلفه‌های ژئوپلیتیک بر عوامل مهمی استوار است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- رقابت برای کسب هژمونی در منطقه بر مبنای تلاش فدراسیون روسیه، در ارتباط با تسلط بر انتقال انرژی این کشورها و نگاه راهبردی به اوراسیا و جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با جهان اسلام و خاور میانه قابل درک است.

۲- صف‌آرایی در رابطه با این کشورها و کشورهای فرامنطقه‌ای.

۳- مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر هجوم ژئوپلیتیک آمریکا و اسرائیل که از نقطه نظر موازنه تهدید تلاش دارند در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران حضور داشته باشند. در آینده پژوهی برای حفاظت از محیط زیست در یای خزر توسعه اکو توریسم بجای گردشگری انبوه برای تحقیق پیشنهاد می شود. اکو توریسم مبتنی بر دانش محلی است که جامعه بومی میزبان آن خواهد بود. جامعه بومی با آگاهی از اهمیت طبیعت و دریا با توجه به اینکه به اقتصاد پایدار خود خواهد کوشید، تمام عناصر و گردشگر را برای محافظت از محیط زیست با خود همراه خواهد کرد. جامعه محلی و اکو توریسم در چار چوب ورود همان گروه های غیر دولتی و ثمن ها عمل خواهند کرد.

منابع

- امیر احمدیان، بهرام. صالحی دولت آباد، روح الله، (۱۳۹۵). ابتکار "جاده ابریشم چین (اهداف، موانع و چالش ها، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۹(۳۵)، ۳۸-۱۰.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- آبادی، محمد. زمانی، عباسعلی. پیری زنگنه، عبدالحسین. خسروی، یونس. بدیعی، حمید، (۱۳۹۶). بررسی غلظت حیوه در آب و ماهی های سواحل جنوبی دریای خزر جمهوری اسلامی ایران، مجله سلامت و محیط زیست، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی بهداشت محیط جمهوری اسلامی ایران، ۱۰(۳)، ۳۳۸-۳۲۰.
- باقری توانی، مصطفی، نوروزی، مهرنوش، (۱۳۹۵)، "پایش وضعیت آلودگی فلزات سرب و کادمیوم حوضه جنوبی دریای به واسطه ماهی کفال طلایی با استفاده از سیستم GIS " مجله بوم شناسی آبزیان، دوره ۶ شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۵..
- بیران، صدیقه. قادری، محمد رضا، (۱۳۸۸). محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان، تهران، گروه پژوهشی توسعه پایدار و محیط زیست، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. ۴-۳۵
- پورکازمی، محمد، (۱۳۷۸). منابع زنده دریای خزر و کنوانسیون محیط زیست، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول (۱)، ۲-۲۰.
- تقوی اصل، سید عطا، (۱۳۸۶)، رژیم حقوقی دریای مازندران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۵-۲۴۶، صص ۵۸-۷۱.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، "اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک"، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

دانه کارافشین (۱۳۸۰)، محیط زیست دریای خزر، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره هفتم، شماره ۳۵، صص ۱۱۱-۱۳۸

دوثرتی، جیمز فالترز گراف، رابرت (۱۳۷۲)، "نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل"، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس.

دابسون، اندرو (۱۳۷۷)، "فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها"، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران انتشارات آگاه. رضائی، رحمت. محرابی، علیرضا (۱۳۸۹). "ژئوپولیتیک دریای خزر و واگرایی کشور های ساحلی"،

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۲ صص

زرقانی، سید هادی، احمدی، ابراهیم، (۱۳۹۷). "تبیین ژئوپولیتیک زیست محیطی دریای خزر (بررسی منشاء آلودگی)", فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره بیست و پنجم، شماره ۹۳ صص ۱۴۹-۱۸۲.

۳۷

زرگر، علی اصغر، نوروزی کلرمی، زینب (۱۳۹۴). "مسئولیت و نقش دولت های خلیج فارس در حفاظت از محیط زیست"، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۲۸۱-۲۵۱

سریع القلم، محمود و دیگران (۱۳۸۵)، "تبدیل ژئوپولیتیک جنگ به ژئوپولیتیک صلح"، فصلنامه ژئوپولیتیک "سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۷۰-۸۲

شیخ الاسلامی، محمد حسن، حسینی، حسین، شیرآوند، صارم، (۱۳۹۴) "تأثیر نظامی کردن حوزه دریای خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۹، صص ۱۵۸-۱۲۶.

عباسی، مجید، موسوی، سید محمد رضا، (۱۳۹۲) «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی» مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ششم، شماره ۲، صص ۸۰-۶۱.

قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۸، روابط بین الملل، نظریه‌ها و رویکردها، تهران انتشارات سمت، چاپ هشتم. کولایی، الهه، گودرزی، مهناز (۱۳۹۲). «دریای خزر، چالش‌ها و چشم‌اندازها» تهران، نشر میزان. گودرزی، مهناز، کولایی، الهه، (۱۳۸۸) «تهدیدهای زیست محیطی دریای مازندران و نقش کنوانسیون تهران در مقابله با آن» نشریه‌ی علوم محیطی، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۹۴-۶۹ مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، درخزر چه می‌گذرد و چه باید کرد، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۶-۱۸۵، صص ۲۸-۴۷.

مولایی، یوسف، جانباز، دیان (۱۳۹۵)، ژئوپولیتیک و موازنه قدرت در خزر، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۷۴

مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ۱۳۹۷، فصلنامه خبری دریای خزر، شماره ۲۷، صص ۱-۸، قابل دسترسی در: <http://www.wri.ac.ir/csnrc>، تاریخ مشاهده ۱۳۹۸/۱/۴.

مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، ۱۳۹۷، فصلنامه خبری دریای خزر، شماره ۲۷، صص ۱-۸، قابل دسترسی در: <http://www.wri.ac.ir/csnrc>، تاریخ مشاهده ۱۳۹۸/۱/۴.

میر حیدر، دره، طاهری شمیرانی، صفت‌الله (۱۳۸۰). "ژئوپولیتیک منطقه خزر: تغییر و تداوم"، کتاب خزر (۱) (موسسه مطالعات دریای خزر)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

میرزایی، مژگان، معتضدی، محمد رضا، نیکبختی، آمنه (۱۳۹۳) " بررسی روند تغییرات آلودگی های کربورهای نفتی در اب و رسوبات حوزه جنوبی دریای خزر " **نشریه محیط زیست منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران**، دوره ۶۷، شماره ۲، صص. ۲۲۳-۲۳۲

هی وود، اندرو (۱۳۸۳). "در آمدی بر ایدئولوژی های سیاسی"، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، انتشارات وزارت امور خارجه.

- Abilov, Shamkhal, 2012, "The New Great Game Over the Caspian Region: Russia, the USA, and China in the Same Melting Pot, Khazar" **Journal of Humanities and Social Sciences**, Voloum. 15, No. 1, pp.29-60
- Agnew, John, (2004) *Geopolitics, Re-Visioning World Politics*, London, Ruleledge, 2ed Edition.
- Bahgat, Gawdat (2015). "Energy Security: The Caspian Sea", *Ruteldge Minerals and Energy*, Vol 120, No 2. PP.46-82
- Blan, Stephen (1995). *Energy Economic and Security in Central Asia: Russia and its Revals*, *Central Asia Survey*, Vol 14, No 3. PP.30-65
- Bookchin, M. and Foreman, D. (1991), "**Defending the Earth**", Montreal and New York: Black Rose Book.
- Cordsman, Anthony, (2012). **Energy Risks in North Africa and Middle East, USA**, Center for Strategic and International studies, Available at: [http:// www.csis.org/bruke/report](http://www.csis.org/bruke/report). (accessed on 15/1/2018).
- Damirchilu, M (2008). "Iranian Approach to the Developments in Legal Regime of the Caspian Sea", **Journal of Central Eurasian Studies**, 1(1):29
- Hajizadelizaker. N., Rahniani, I., Moghadam, M., Shadi, R., Abesi, O., 2011. Density and source of petroleum hydrocarbon in Anzali wetland sediments. *Journal of Environmental Studies* 37, 99-106.
- Khodaparast, S.H. Babaei, H., 2009. Study on the total Petroleum Hydrocarbon (TPH) and heavy metals (Zn, Cu, Fe, Pb, Cr, Cd and Hg) concentrations in Anzali Wetland outlets. *Journal of Wetland Ecobiology*, Vol.1 No 1. PP. 33-45.
- Kotze, P, J. Du Prezz, H, H. Vuren Van, J, H, J. (1999). "Bioaccumulation of Copper and Zinc in (*Oreochromis mossamicus*) and (*Clarias Gariepinus*), from the Olifants River", **Mpumalanga, South Africa**, p 12.
- Kurecic, Petar, (2010) " The New Great Game: Rivalry of Geostrategies and - Geoconomies in Central Asia" **Havatski geografski glasnik journal**, Voloum 72, No.1, pp 21-48
- Nasrolahzadeh, A, 2001, Caspean Sea and its Ecological Challenges, *Caspian Jurnal of Environment Science*, Vol.8 No1, pp.97-104.
- Nemirovskaya, I.A., Brekhovskikh, V.F., 2008. Origin of Hydrocarbons in the Particulate Matter and Bottom Sediments of the Northern Shelf of the Caspian Sea. *Oceanology* 48, 43-53.